

بررسی انتساب اثر منطقی المَهْجَة به ابن سینا

زینب برخوردار^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲۲)

چکیده

اثر منطقی المَهْجَة در برخی فهرست‌نگاری‌ها از آثار منطقی، به ابن‌سینا نسبت داده شده است. از آن‌جا که فهم تطوّر منطق سینوی در گرو شناسایی و بررسی تمامی آثار منطقی وی است مسأله پژوهش حاضر بررسی صحت و اعتبار این انتساب است. در بررسی استناد هر اثر به مؤلفی، از روش‌های بررسی دست‌نویس‌ها و مستندات تاریخی، بررسی ساختاری، و تحلیل محتوایی می‌توان بهره جست. در مستندات تاریخی و دست‌نویس‌های المَهْجَة مطلب قابل‌استنادی که مؤید انتساب یا عدم انتساب اثر به ابن‌سینا باشد به دست نیامد. بر مبنای تحلیل ساختاری، ساختار اثر متعلق به هیچ یک از سبک‌های منطق‌نگاری نیست و حتی در سیر تحولات منطق سینوی با لحاظ این‌که شیخ‌الرئیس در منطق‌نهی بخشی آثاری دارد و آغازگر منطق دویخشی است، جای نمی‌گیرد. در تحلیل محتوایی علاوه بر وجود کلماتی که در سایر آثار منطقی ابن‌سینا به چشم نمی‌خورند و اغلاط منطقی، مواردی متفاوت با آنچه در آثاری که انتساب قطعی به ابن‌سینا دارند به دست آمد که فرضیه عدم انتساب رساله به شیخ‌الرئیس را تأیید می‌کند.

کلید واژه‌ها: ابن‌سینا، منطق، المَهْجَة، البَهْجَة.

۱. درآمد

ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق) از مؤثرترین منطق‌دانان مسلمان در تمدن اسلامی است. آنچه از آموزه‌های منطقی و فرامنطقی از سده پنجم تاکنون در تمدن اسلامی به صورت سنت حاکم درآمده است، بیشتر متأثر از آثار بوعلی است. منطق‌پژوهی ابن‌سینا از گوناگونی تحول و توسعه برخوردار است. وی هم آثار فراوانی آفریده است (نک: برخورداری، «نقد گزارش...») و هم در طرح مباحث منطقی در دو بعد ساختاری و محتوایی منشأ دگرگونی تدریجی بوده است (فرامرزی قراملکی، ۲۱۳-۲۳۶).

شناخت آثار منطقی بوعلی در فهم تطور تاریخی علم منطق در میان مسلمانان اهمیت دارد. در انتساب برخی آثار منطقی به وی جای تردید نیست، اما رساله‌هایی منسوب به او وجود دارند که صحت و سقم انتساب‌شان نیازمند پژوهش است. توجه به گوناگونی و تحول آثار منطقی بوعلی، اهمیت مسأله صحت و سقم انتساب رساله به وی را نشان می‌دهد.

از رساله‌های منسوب به وی، یک تکنگاری در منطق است که به دو نام *المهجة* و *البهجة* خوانده شده است. قنواتی (۱۱۲) و به تبع وی مهدوی (۵۳) آن را به ابن‌سینا منسوب دانسته‌اند. رشر که از اهم آثار منطقی - و نه همه آثار - ابن‌سینا سخن می‌گوید، اشاره‌ای به رساله یادشده ندارد. کدیور در کتابشناسی جامع ابن‌سینا در انتساب اثر به شیخ‌الرئیس تردید کرده است.

انتساب رساله *المهجة* را به سه شیوه تاریخی، محتوایی، و ساختاری می‌توان بررسی کرد. پژوهش حاضر فرضیه بطلان انتساب این رساله به ابن‌سینا را به سه طریق یاد شده به آزمون می‌سپارد:

۱. بررسی مستندات تاریخی از جمله روش‌هایی است که انتساب اثر را به مؤلفی روشن می‌سازد. مستندات قابل‌اعتمادی در صحت انتساب *المهجة* به ابن‌سینا در دست نیست. دو فهرست‌نگاری اصلی آثار شیخ‌الرئیس (قنواتی و مهدوی) از یکدیگر متأثرند. نام *المهجة* در فهرس دیگر ذکر نشده است. مجموعه داده‌های ذکرشده در انتساب یا عدم انتساب رساله به ابن‌سینا نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

۲. تحلیل ساختاری رساله از دیگر روش‌هایی است که در تعیین انتساب اثر به مؤلفی می‌تواند راهگشا باشد و قرائن مختلفی را به دست دهد. با توجه به تطور منطق سینوی در آثار مسلم ابن‌سینا، مقایسه ساختار *المهجة* با سایر آثار شیخ‌الرئیس، زمان نگارش

رساله از سوی مؤلف و یا عدم انتساب آن را مشخص می‌سازد. ناهمگونی ساختار اثر با سیر تحولات منطق سینوی را می‌توان از مؤیدات عدم انتساب رساله برشمرد.

۳. تحلیل محتوایی و مقایسه تعاریف، مفاهیم، و دیدگاه‌ها در اثر با سایر آثاری که انتساب‌شان به ابن سینا قطعی است، روش دیگری است که در تعیین انتساب اثر به شیخ می‌توان از آن بهره جست. به عنوان مثال در هیچ یک از آثاری که به طور قطع به ابن سینا انتساب دارد وی از قواعد شکل چهارم بحث نمی‌کند. وجود این قواعد در آثاری که انتساب قطعی به وی ندارد، فرضیه عدم انتساب را تقویت می‌کند (نک: برخورداری، «بررسی انتساب...»). صرف کشف مواضع خلاف و وفاق، در تعیین انتساب مفید گمان است و نه قطعیت، اما تحلیل سیستمی (منظومه معرفتی) این مواضع می‌تواند یقین‌آور باشد.

۲. معرفی رساله و دست‌نویس‌ها

پیش از پرداختن به مسأله پژوهش حاضر، یعنی بررسی صحت و سقم انتساب رساله المهجة به شیخ‌الرئیس، معرفی اجمالی رساله و دست‌نویس‌های آن لازم است. «المهجة» در لغت به معنای خون اصلی قلب است که بدون آن حیات ممکن نیست (خلیل بن احمد، ۳/۳۹۷) و بهترین و خالصترین از هر چیزی است (ابن‌منظور، ۲/۳۷۰). این اثر با بیان رئوس ثمانیه منطق آغاز می‌شود و در خلال آن مبحث الفاظ و رئوس ثمانیه به طور مطلق، مورد بحث قرار می‌گیرد. عبارات و ترتیب یادشده، بسیار مشابه است با آنچه شارح حکمة الاشراف در شرح حکمة الاشراف در ذیل بحث رئوس ثمانیه می‌آورد (۲۷-۳۲).

مباحث در المهجة تا مبحث قیاس با عناوین یونانی نامگذاری شده‌اند. پس از رئوس ثمانیه ایساغوجی قرار گرفته است. مبحث مقولات با عنوان قاطیغوریاس آورده شده که مشتمل بر سه مبحث «تناسب و تباین اسماء»، «مقولات دهگانه»، و «تقدم، تأخر، و تقابل» است. بحث فلسفی عروض وجود بر ماهیت نیز در همین بخش دیده می‌شود که ابن‌سینا نیز در اشارات (۱۰۱) چنین بحثی را به همین نحو مطرح می‌کند.

در کتاب باریرمیناس به ترتیب مباحث قضیه حملیه، تلازم و تعاند موجهات، تقابل در قضایا، عکس، و قضیه شرطیه آمده است. پس از این، نام مباحث به یونانی ذکر نشده است. در کتاب قیاس، قیاس حملی بسیط، اشکال قیاس، قیاس خلف، انتاج بالذات و بالعرض، قیاس حملی مرکب و قیاس شرطی ذکر می‌شود. استقراء، قیاس ضمیر، تمثیل،

قیاس فراسی و ضروب منتج در ادامه ذکر شده‌اند. در قسمت بعدی با عنوان «کتاب یشتمل علی الکتب الباقیة من البرهان و الجدل و الخطابة و السفسطة و الشعر»، مباحثی دربارهٔ برهان، مبرهن، مبرهن علیه، مبرهن فیه، مبرهن منه و سایر صناعات پنج‌گانه آمده است. پایان بخش رساله *المهجة* با عنوان فصلی در حدود دربارهٔ فضائل و رذائل نفسانی است. از رساله *المهجة* دو دست‌نویس شناسایی شده است.^۱ نخست دست‌نویسی که به سال ۱۰۵۲ هجری قمری به دست عبدالرشید نگارش یافته است.^۲ رساله *المهجة* در این دست‌نویس در ۱۴ صفحه ۲۹ سطری و به طور مورب با خطی زیبا، متأخر و ریز نگارش یافته است. از آن‌جا که این رساله در بین مجموعهٔ رسائل ابن سینا جای دارد، در حاشیهٔ آن عبارت «رسالة یسمى المهجة ایضاً له» آمده است و نام دیگر رساله (*البهجة فی المنطق*) که برخی فهرس به آن اشاره کرده‌اند به چشم نمی‌خورد. دست‌نویس دیگر بنابر آن‌چه در انتهای آن ذکر شده، به سال ۱۳۱۰ هجری قمری نگارش یافته است و نام کاتب آن مشخص نیست.^۳ عبارت «رسالة المهجة ایضاً له» در کنار متن و به خط کاتب رساله دیده می‌شود، تنها در حاشیهٔ این دست‌نویس و به خط معاصر (با خودکار) نام «البهجة فی المنطق» به عنوان ششمین اثر مجموعه به چشم می‌خورد. اثر منطقی *المهجة* در این رساله در ۲۶ صفحه ۱۷ سطری به خطی خوانا و متأخر جای گرفته است.

۳. تحلیل ساختاری

رساله *المهجة* مباحث مختلفی در منطق را شامل می‌شود که از نظر ساختار نگارش به سبک نه‌بخشی تعلق دارد. در *المهجة* برآمدن تصور از تصور و تصدیق از تصدیق به مبنای تقسیم منطق به دو بخش تصور و تصدیق افزوده شده و به دوگانگی در فکر می‌رسد. فکری که موصل تصور است، مانند حد و امثال حد (رسم)، و فکری که موصل تصدیق است، و آن قیاس است و آنچه مانند قیاس است (استقراء). نامی از تمثیل و اشاره‌ای به تقسیم آن به بدیهی و نظری (شاید به جهت اختصار) نیامده است. طرح

۱. مشخصات کامل مجموعه‌هایی که برای یافتن دست‌نویس‌ها مورد بررسی قرار گرفت در منابع آمده است.

۲. عکس دست‌نویس نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲۴۴۱/۹.

۳. کتابخانه ملی به شماره ۲۲۲۲/۶.

مدون چنین بحثی در آثار فارابی به چشم می‌خورد (*المنطقیات*، ۱/۱۵۹؛ *الفارابی فی حدوده و رسومه*، ۱۵۱ و ۱۵۲).

سپس نتیجه می‌گیرد که منطق قوانین حد و قوانین قیاس را به دست می‌دهد و این صریح‌ترین سخن در دو بخشی بودن منطق است که متأخران آن را با مفهوم عامتر و به صورت معرف و حجت بیان کرده‌اند و آن دو را موضوع علم منطق دانسته‌اند. با وجود این شاهد، ساختار المَهْجَة نه‌بخشی است و مقولات ذکر می‌شود.

بحث حد در تطور منطق سینوی از نه‌بخشی به دوبخشی نقش مهمی را ایفا می‌کند و جایگاه آن در مباحث رسائل منطقی از نشانگرهای سبک منطق‌نگاری است. ابن سینا در مدخل *شفا* به تحلیل مفهومی «مقول در جواب ماهو» و اصناف سه‌گانه آن (جنس، نوع و حد) می‌پردازد (۴۷، ۳۷، ۳۲، ۲۱) و در برهان و جدل همانند ارسطو تحلیل حد و رسم و مواضع آن را می‌آورد. نخستین فرق آثار منطقی ابن سینا با میراث یونانی تحلیل «مقول در جواب ماهو» (در دو مقام مفهوم و مصداق) در *ایساجوجی/مدخل* است. در *عیون الحکمة* بحثی از حد و رسم وجود ندارد. در *نجاة* بحث از «مقول در جواب ماهو» و «مقول در جواب آی شی هو» در ابتدای مدخل می‌آید و در کتاب برهان چند فصل به بحث از حد و روش‌شناسی آن اختصاص می‌یابد.

ابن سینا در رساله‌های *قصیده مزدوجه*، *المنطق الموجز* و *مختصر الاوسط* بحث از حد را به نحو مستقل اما در پایان رساله می‌آورد. استقلال بخشی به بحث حد دومین تفاوت آثار بوعلی با پیشینیان (یعنی *ارگانون* ارسطو و آثار منطقی قابل دسترس مانند آثار فارابی است) و نخستین تحول ساختاری در آثار منطقی بوعلی است. در منطق *المشرقیین* بحث از حد، اصناف تعریف، بررسی شرح الاسم و حد در میان مباحث کلیات پنج‌گانه طرح می‌شود. تقدیم مباحث حد بر قضیه و قیاس تحول دیگری در نظام منطق‌نگاری ابن سینا محسوب می‌شود. پیش انداختن بحث از حد و رسم در *هدایه*، *دانشنامه علایی*، *مفاتیح الخزان*، و *اشارات* با استقلال و یکپارچگی مباحث همراه است و این مبحث به منزله بایی در منطق و پس از کلیات و قبل از قضایا جایگاه می‌یابد. در این جایگاه ابن سینا علاوه بر تعریف حد و رسم، بیان شرایط و احکام آن دو، به بررسی نسبتاً مفصل از مواضع خط‌پذیری تعریف نیز می‌پردازد.

در المَهْجَة مبحث حد استقلال نیافته است. اگرچه ابتدا اشاره‌ای به چیستی حد و رسم می‌شود، اما این بحث در واقع ذیل انواع تعلیمیه و رئوس ثمانیه جای گرفته است.

چنین سبکی در بیان حد به هیچ یک از آثار شیخ شبیه نیست. در انتهای اثر «فصل فی الحدود» دیده می‌شود که به تعریف مفاهیمی درباره فضایل اختصاص دارد. با وجود این که در آغاز رساله صناعات خمس مستقل تلقی شده‌اند اما، پنج بخش مربوط به آنها در یک گفتار گنجانده شده است. آوردن صناعات خمس در کتابی مستقل در قرن هفتم رواج یافته است.^۱

در غالب آثار منطقی بوعلی، که به مقولات پرداخته‌اند، این مبحث پس از مبحث الفاظ و پیش از قضایا قرار گرفته است (شفا، عیون الحکمه، قصیده مزدوجه، المنطق الموجز). در المهجة ابتدا بحث الفاظ و سپس رؤس ثمانیه و بعد از آن مقولات ذکر شده است. اما مقولات در سه فصل الفاظ، مقولات دهگانه، و تقدم، تأخر، تقابل، ساماندهی شده است. در هیچ یک از آثار شیخ رئیس الفاظ ذیل بحث مقولات نیامده است و تنها در شفا بعد از مبحث مقولات به ترتیب تقابل، تضاد و تقدم و تأخر دیده می‌شود. از لحاظ ساختاری چینش مباحث اثر به شیوه رایج در آثار ابن سینا و حتی ارسطو نیست و به علت این غربت در سیر تطور ساختاری منطق سینوی جای نمی‌گیرد.

۴. تحلیل محتوایی

چنان که گذشت، انتساب رساله المهجة به شیخ رئیس قطعی نیست. در تحلیل متن اثر و مقایسه تطبیقی آن با سایر آثار مسلم الانتساب شیخ رئیس^۲ شواهدی مؤید این تردید به دست آمد. موارد یاد شده را در سه بخش می‌توان طبقه‌بندی نمود:

۴.۱. تعاریف، مفاهیم، یا مباحث متفاوت

الف. در آثار بوعلی در مواردی که علم منطق با نحو و عروض مقایسه شده است، شرط استغنا از یادگیری منطق تأیید الهی و ارتباطات غیبی ذکر شده است (شفا، مقدمه، ۵۹، مدخل، ۲۰؛ نجات، ۹) مطلبی که در المهجة به آن اشاره‌ای نمی‌شود و از استثنائات قرار نمی‌گیرد. این مطلب صرفاً جهت بیان هر گونه اختلاف مورد توجه است.

ب. حس به ظاهری و باطنی تقسیم شده و در حواس ظاهر پنج حس قرار گرفته است.

۱. مانند رساله شمسیه.

۲. مشخصات کامل آثاری از ابن سینا که مورد مقایسه قرار گرفت در منابع آمده است.

در حواس باطنی به ترتیب قوه مشترکه، متخیله، متفکره، و حافظه و ذاکره را می‌آورد. در آثار دیگر ابن سینا که چنین مبحثی بیان شده قوه وهمیه بعد از متخیله و قبل از حافظه و ذاکره قرار می‌گیرد (نجاه، ۳۲۹؛ رساله احوال النفس، ۶۳؛ اشارات، ۸۴ و ۸۵).

ج. تعریف این رساله از مقدمات یقینی تا حد زیادی با سایر آثار شیخ‌الرئیس متفاوت است. اولی به آنچه مبدئش عقل نظری است تعریف شده است. «در حکم اولی» آن است که مبدأش عقل عملی است (بدیهی عقل عملی) و مبدأ حسی حس (اعم از ظاهری و باطنی) است. وهم نیز تابع حس است و ملحق به آن دانسته شده، در حالی که حکم آن در امور عقلی مقبول نیست. شیخ‌الرئیس در *نجاه* به این مطلب اشاره می‌کند که اولیات به سبب قوای عقلی در انسان پدید می‌آیند و ذات‌شان موجب تصدیق‌شان است (۱۲۱) ولی در همین اثر بین ادراک حسی و وهمی تفاوت قائل می‌شود (۳۴۴).

۲.۴. مباحث بی‌سابقه

الف. در اثر منطقی المهجة، مرتبه علم منطقی پس از تهذیب اخلاق و تقویم فکر با علوم ریاضی آمده است. مطلب یادشده در آثار شیخ‌الرئیس نیست اما پس از وی ذکر شده است (شیرازی، قطب‌الدین، ۳۲؛ یزدی، ۱۲۱).

ب. تقسیم جنس به اجناس مرتب و غیر مرتب در آثار دیگر شیخ‌الرئیس به چشم نمی‌خورد. در تعریف عرض عام «اعم کلیین عرضیین مقولین فی جواب ماهو» و در تعریف خاصه «اخص کلیین عرضیین مقولین فی جواب ماهو» آمده است. بوعلی در تعریف نوع «اخص کلیین مقولین فی جواب ماهو» را می‌آورد (عیون الحکمة، ۲؛ شفا، مدخل، ۶۳) همچنین فارابی «اعم کلیین یلیق ان یجاب بهما فی جواب ماهو» را در تعریف جنس ذکر می‌کند (فارابی، ۳۰/۱؛ ۴۵/۳) اما برای عرض عام و خاصه چنین تعریفی سابقه ندارد.

ج. در انتهای مبحث کلیات خمس، تقسیم‌بندی دیگری از کلیات خمس ارائه شده که آن نیز بی‌سابقه است: تقسیم کلیات خمس از لحاظ جوهری یا عرضی بودن.

تبیین مطلب چنین است که هر کلی از نظر عموم و خصوص یا جوهری است و یا عرضی. اگر جوهری باشد یا بسیط است و یا مرکب. مرکب همان نوع است که از جنس و فصل به دست می‌آید؛ و بسیط یا در جواب «ما هو؟» است که جنس است و یا در جواب «ای شیء هو» که همان فصل است. عرضی یا خاص است که همان خاصه شیء است و یا

عام که همان عرض عام خواهد شد. وجه تقسیم کلیات خمس در این جا حاضر نیست. اصطلاح جوهری به معنای ذاتی است و ممکن است موجب اشتباه با جوهر شود، چنان که اصطلاح عرضی ممکن است با عرض در برابر جوهر اشتباه شود. شیخ الرئیس در شفا نیز جوهری را به معنای ذاتی به کار می برد (مقولات، ۵۰/۱) عدد بودن برای چهار جوهری است، اما چهار و عدد هر دو عرض اند و نه جوهر. بنابراین جوهری در این جا باید به معنای «ذاتی» لحاظ شود.

از سوی دیگر عبارت «من حیث العموم و الخصوص» وجه مناسبی برای تقسیم کلی به جوهری و عرضی نیست. حاضر نبودن تقسیم بندی از دیگر اشکال های وارد بر تقسیم است، که مفاهیم غیرمحصّل (مانند «لا انسان») را در بر نمی گیرد.

۱. برهان را به مبرهن، مبرهن علیه، مبرهن فیه، مبرهن منه و مبرهن له تقسیم می کند. این اصطلاحات در هیچ یک از آثار منطقی این سینا دیده نمی شوند. در این قالب از مسائل مبادی، ارتباط علوم و سایر مسائل برهان بحث می کند.

۲. یکی از تعاریف ارائه شده از برهان این گونه است: «و اما البرهان فهو طریق موثوق به یوصل الی الوقوف علی الحق و العمل بحسب ذلک». تعریف یاد شده در ذیل رئوس ثمانیه آمده با هیچ یک از آثار این سینا همخوانی ندارد. چنین تعریفی در برخی آثار پس از وی به چشم می خورد (شیرازی، قطب الدین، ۳۳؛ شیرازی، صدرالدین، ۲۱)

۳. در تعریف عکس قضیه به جابه جایی موضوع و محمول بسنده شده است و فاقد الفاظی دال بر بقا یا عدم بقای صدق و کذب می باشد. تعریف ارائه شده در این مقام با تمامی آثار این سینا متفاوت است (نک: انواری).

۴. در آثار شیخ الرئیس استقرا به حکم به کلی به خاطر وجودش در جزئیات تعریف شده است (عیون الحکمة، ۱۰؛ المباحثات، ۲۶۱؛ شفا، مقدمه، ۱۵؛ التصیبه المزدوجة، ۱۲؛ النجاة، ۱۰۶؛ الإشارات، ۳۹) در المهجة این تعریف به شمارش تمامی انواع و انتقال حکم کلی آن ها به جنس تغییر یافته است. تعریف ارائه شده در این مقام ناظر بر استقرای تام است، گرچه در عبارت بعد مقسم استقرای تام و ناقص قرار گرفته است.

۵. تعریف جدل به «تردد الکلام بین اثنین تقصد کل واحد منهما بصحیح قوله» علاوه

بر بی نظیر بودن، مانع اغیار هم نیست!

۶. تعریف ارائه شده از قیاس ضمیر دربرگیرنده قیاس مضمّر نیز هست: «الضمیر هو

الذی یضمّر فیه احدی المقدمتین».

۷. عدمیه مترادف با معدوله به کار رفته است.

۵. نتیجه

بر طبق بررسی ساختاری، رساله منطقی المهجة در هیچ یک از سبک‌های منطق‌نگاری سینیوی جای نمی‌گیرد. قسمت‌هایی از این رساله در ساختار دویخشی و بیشتر آن به ساختار نه بخشی نگارش یافته است. اما در همین ساختار نیز از شیوه رایج آثار منطقی شیخ تبعیت نمی‌کند.

در تحلیل محتوایی مطالب بی‌سابقه و مغایر با آنچه در آثار شیخ است به چشم می‌خورد. الفاظ غریب و مباحثی که از لحاظ منطقی صحیح نیستند از دیگر مواردی است که انتساب اثر به ابن‌سینا را مخدوش می‌سازد. با توجه به این دو بررسی به نظر می‌رسد که المهجة از ابن‌سینا نباشد و پس از وی توسط فردی آشنا به منطق نگارش یافته باشد. متأخر بودن سبک کتابت رساله‌ها، عدم وجود بیش از دو نسخه از آن‌ها و تردیدی که در برخی فهرس نسبت به انتساب شده مؤید عدم انتساب است.

فهرست منابع

۱. ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، به کوشش محمود شهابی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش.
۲. ———، دانشنامه علائی، دانشگاه بو علی سینا، با مقدمه و حواشی و تصحیح از دکتر محمدمعین و سیدمحمد مشکوة، همدان، ۱۳۸۳ ش.
۳. ———، رسائل ابن سینا، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۰ ق.
۴. ———، رساله احوال النفس، مقدمه و تحقیق فؤاد الاهوانی، داربیبیلیون، پاریس، ۲۰۰۷ م.
۵. ———، الشفاء، المنطق، به کوشش ابراهیم مدکور، قاهره، دارالکتب العربی لالطباعه و النشر، بی‌تا.
۶. ———، الشفاء (المنطق)، به تحقیق سعید زاید، مکتبه آیه‌الله المرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۷. ———، الشفاء (الهیات)، به تحقیق سعید زاید، مکتبه آیه‌الله المرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۸. ———، عیون الحکمة، تصحیح عبد الرحمن بدوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۰ ق.
۹. ———، القصيدة المزوجة فی المنطق، مکتبه آیه‌الله المرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. ———، المباحثات، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۱ ش.
۱۱. ———، مختصر الاوسط، کتابخانه ایصوفیه استانبول، شماره دست نویس ۴۸۲۹.
۱۲. ———، مفاتیح الخزان، تهران، کتابخانه ملک ۴۶۴۳/۱.

۱۳. ———، *منطق المشرقیین*، مکتبه آیه الله المرعشی: قم: ۱۴۰۵ ق.
۱۴. ———، *المنطق الموجز*، تهران، کتابخانه دانشگاه تهران، ۷ و ۲۲۶۴/۹ میکروفیلم (استانبول، ایاصوفیه، ۴۸۲۹/۷).
۱۵. ———، *الموجزة فی اصول المنطق*، کتابخانه دانشگاه استانبول، دست نویس شماره ۴۷۵۵/۳.
۱۶. ———، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، مقدمه و تصحیح محمدتقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. ———، *الهدایة*، الدكتور محمد عبده، كلية دارالعلوم، جامعة القاهرة، مکتبه القاهرة الحديثة، ۱۹۷۴ م.
۱۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالمعارف، بیروت، بی تا.
۱۹. ارسطو، *منطق ارسطو (ارگانون)*، ترجمه فارسی دکتر میرشمس الدین ادیب سلطانی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۸ ش.
۲۰. انواری، سعید، عالمی، روح الله، «تعریف عکس مستوی از دیدگاه ابن سینا»، دو فصلنامه تخصصی حکمت سینوی (مشکوٰة النور)، سال ۱۲، پائیز و زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴۰.
۲۱. انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۲ ش.
۲۲. برخورداری، زینب، «نقد گزارش رشر از آثار منطقی ابن سینا»، کتاب ماه فلسفه، سال سوم، شماره ۲۶، آبان ۱۳۸۸ ش.
۲۳. برخورداری، زینب، و احد فرامرز قراملکی، «بررسی انتساب مفاتیح الخزائن به ابن سینا»، حکمت سینوی، شماره ۴۵، بهار و تابستان ۹۰.
۲۴. جعفر آل یاسین، *الفارابی فی حدوده و رسومه*، فرهنگ نامه فلسفی، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. حائری، عبدالحسین، *فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی*، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۵۰ ش.
۲۶. حسینی اشکوری، سیدجعفر، حسینی اشکوری، سیدصادق، *فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی*، انتشارات مرکز احیاء میراث اسلامی، قم، ۱۳۷۷ ش.
۲۷. خلیل ابن احمد، *کتاب العین*، مطبعة العانی، بغداد، ۱۹۶۷ م.
۲۸. دانش پژوه، محمدتقی، *فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.
۲۹. ———، *فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش.
۳۰. دانش پژوه، محمدتقی، و ایرج افشار، *فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک*، با همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۵۲ ش.

۳۱. ———، فهرست‌واره کتابخانه مینوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۳۲. رشر، نیکلاس، *تطور المنطق العربي*، ترجمه محمد مهرا، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۸۵م.
۳۳. شیرازی، قطب‌الدین، شرح حکمة‌الاشراق، به کوشش عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، موسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۳۴. صدرالدین شیرازی، محمد، *الحاشیه علی الیهیات شفا*، انتشارات بیدار، قم، بی‌تا.
۳۵. الفارابی، ابونصر، *المنطقیات للفارابی*، تحقیق و مقدمه از محمدتقی دانش پڑوه، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، ۱۴۰۸ق.
۳۶. فرامرزق‌املکی، احد، *جستار در میراث منطق‌دانان مسلمان*، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۰ش.
۳۷. فنواتی، الاب جورج شحاته، *مؤلفات ابن‌سینا*، مقدمه للدکتور ابراهیم بک مدکور، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۵۰م.
۳۸. کاتبی قزوینی، نجم‌الدین، *الرسالة الشمسية*، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۸۴ش.
۳۹. کدیور، محسن، *کتابشناسی جامع ابن‌سینا*، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، زیر چاپ.
۴۰. مهدوی، یحیی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ش.
۴۱. یزدی، مولی عبدالله بن شهاب‌الدین‌الحسین، *الحاشیه علی تهذیب المنطق*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.
42. Rescher, Nicholas, *The development of Arabic logic*, Pittsburg, university of Pittsburg, press 1964.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی